

ترک مدرسه؛ چاره امروز، بیچارگی فردا

«بازماندگی از تحصیل»، طبلي که صدایش
فردا شنیده میشود

فاطمه کریم خان

امیرحسین، عماد و مرتضی این روزها تنها هستند. تا همین دو هفته پیش پنج، شش نفر دیگر هم آنها را همراهی می‌کردند. حالا آن پنج، شش نفر به مدرسه رفته‌اند و این سه تا باقی مانده‌اند. همان اول کار می‌گوید: «عکس‌نگیری بروی این‌ور آن‌ور پخش‌مان کنی؟» می‌گویم: «عکس نمی‌گیرم، اگر بخواهید اسامی‌تان را هم عوض می‌کنم.» می‌گوید: «آره همین کار را بکن. اسم محله را هم نیاور.» بدون دانستن اسم محله در نظر بگیرید که این سه تا پسرچه که حالا روی تیشرت‌هایشان يك لباس گرم بدون آستین هم می‌پوشند، الان مسوول جمع‌آوری زباله در محله‌ای بزرگ هستند که از يك طرف به بزرگراه و از طرف دیگر به یکی از خیابان‌های اصلی شهر محدود شده است. محله ویلایی است و ساکنان آن به نسبت محله‌های آپارتمانی شهر تهران کمتر هستند، ولی یکی از پسرها می‌گوید: «این‌طوری نیست که کارش کمتر باشد.» چه کاری؟ «ما از ده، دوازده صبح با ماشین می‌آییم اینجا، تا شش.» یکی دیگر از پسرها حرف او را قطع می‌کند و می‌گوید: «تا وقتی هوا روشن است، یعنی تا پنج، شش، زمستان کمتر.» و باز ادامه می‌دهند: «چرخ داریم، بعضی وقتها لباس و کفش و کیف و این چیزها که مردم می‌گذارند کنار خیابان را برمی‌داریم، يك مغازه‌ای هم هست که ته بار میوه‌اش را برایمان می‌گذارد، غیر از آن از سطل آشغالها پلاستیک جمع می‌کنیم، گونی‌ها را می‌گذاریم آنجایی که قرار داریم، شب وانت می‌آید همه را می‌برد، ما را هم می‌رسانند خانه، چون همه مال يك محله هستیم.» محله‌ای که به آن اشاره می‌کند، يك منطقه مسکونی در جایی وسط جاده قزوین- رشت است. نه چندان دورتر از کرج، ولی نه آنقدر نزدیک که بچه‌ها خودشان بتوانند به تنهایی بروند. امیرحسین می‌گوید: «حالا که بچه‌ها کمتر شدند، ما بیشتر کار می‌کنیم. باقی‌شان رفتند مدرسه، من

هم پارسال ميرفتم، ولي امسال ديگر نميروم. تا کلاس دوازدهم خواندم.» دو تاي ديگر از اميرحسين بزرگتر هستند، آنها يکي، دو سال زودتر ترك تحصيل کرده اند. عماد ميگويد: «وقتي کرونا شد.» مرتضي ميگويد: «من مخم نميکشيد، گفتند بايد دوباره بخواني، من هم ول کردم.»

ميگويند درآمد تفکيک زباله بد نيست و مي‌توانند پسانداز هم بکنند، اما بيشتر پولي که در مي‌آورند خرج خانه ميشود. يکيشان حرف ديگري را قطع مي‌کند: «آنها که تابستان مي‌آمدند، پولشان را پدر، مادرهايشان مي‌گرفتند، ما پولمان را خودمان مي‌گيريم.» به نظر نمي‌آيد ناراحت باشند يا همان غروري که اجازه نمي‌دهد، بخواهند عکسي ازشان گرفته شود، مانع ميشود که در مورد سختي کار، زشتي آويزان شدن از سطلهاي زباله و رفتارهاي گاهي بسيار بد مردم با خودشان حرف بزنند. اين بچه‌ها، بخشي از داستان بازماندگي از تحصيل هستند که هر سال در اول مهر اندک توجهي به خودش جلب مي‌کند و دوباره فراموش ميشود تا حادثه‌اي ديگر.

آمارهاي بازماندگي و ترك تحصيل چه ميگويد؟

آمار رسمي وزارت آموزش و پرورش ميگويد جمعيتي حدود 930 هزار نفر بازمانده از تحصيل در کشور وجود دارد. آمار تفکيکي در مورد اينکه چه تعدادي از بازماندگان تحصيل مربوط به عدم ثبت نام بچه‌هاي هفت ساله در مدرسه و چه تعدادي از آنها مربوط به ترك تحصيل در سالها و دوره‌هاي مختلف هستند، براي سال 1403 هنوز منتشر نشده است. هر چند بي‌اعتماديهائي هم نسبت به همين آمار موجود وجود دارد. با اين حال، صمد نوروزيان، کارشناس آموزش و پرورش ميگويد بسياري از بي‌اعتماديه‌ها نسبت به اعداد اعلام شده از طرف آموزش و پرورش در مورد بازماندگي از تحصيل بلا وجه است: «ممکن است هر کسي با تعريف شخصي خودش و بر مبناي محاسباتي، به اعدادي در مورد بازماندگي از تحصيل برسد و بخواهد آنها را اعلام کند، اما ملاک کار بايد معيارها و محاسبه‌هاي رسمي باشد، بر اساس مصوبه شماره 648 شوراي عالي آموزش و پرورش، هم بازماندگي از تحصيل و هم ترك تحصيل تعريف مشخصي دارد که با آن تعاريف اعدادي که فعلا اعلام ميشود، اعداد قابل اتکائي است. بايد در نظر داشته باشيم اعدادي که در مورد بازماندگي و ترك تحصيل وجود دارد، نه بر اساس مشاهدات ميداني، بلکه بر اساس يك روش و سيستم آماري به دست مي‌آيد. به اين صورت که تعداد مواليد و فوتيهاي هر سال روشن است، بر اساس اين اعداد که در سازمان ثبت احوال وجود دارد، مي‌توان پيش‌بيني کرد که هر سال چه

تعداد نوآموز باید به مدارس مراجعه کنند و همین‌طور می‌توان عدد دانش‌آموزانی که باید در هر پایه ثبت‌نام کنند را به دست آورد. هر عددی که کمتر از آن عدد پیش‌بینی شده باشد، نرخ بازماندگی و ترک تحصیل است. البته برخی که با این اعداد مخالفت می‌کنند، مساله بازماندگان واقعی و بازماندگان غیرواقعی را پیش می‌کشند. به این معنی که هر سال عده‌ای از دانش‌آموزان که باید آموزش اجباری را پشت سر بگذارند، از ثبت‌نام باز می‌مانند، اما علاوه بر این، عده‌ای از دانش‌آموزان که ثبت‌نام کرده‌اند، غیبت‌های زیادی دارند یا در امتحان‌ها حاضر نمی‌شوند و مجبور به تکرار پایه می‌شوند و از این دست که این هم نوعی از بازماندگی از تحصیل است که باید به آن توجه شود. اما اعداد قابل اتکایی در مورد آن وجود ندارد.»

با افزایش سن، خروج از مدرسه بیشتر می‌شود

به هر حال، با همین اعداد موجود هم، بیش از 900 هزار نفر در حال حاضر واجد ورود به سیستم آموزش دولتی هستند که بیرون از این سیستم باقی مانده‌اند، عده‌ای هم مانند امیرحسین، عماد و مرتضی هستند که در دوران تحصیلات متوسطه مدرسه را ترک می‌کنند. تحقیقات مرکز پژوهش‌های مجلس نشان می‌دهد در حالی که آمار بازماندگی از تحصیل در تحصیلات ابتدایی شامل حدود 10 درصد از دانش‌آموزان می‌شود، با ورود به مقطع متوسطه و سال‌های بالاتر تحصیل، از تعداد دانش‌آموزانی که باید در مدارس ثبت‌نام کنند، کم می‌شود. یعنی افزایش سن، رابطه مستقیمی با ترک تحصیل و افزایش ترک مدرسه دارد.

اگر در سنین پایین‌تر بچه‌ها به دلیل ناتوانی پدر و مادر از تامین هزینه‌های تحصیل از مدرسه رفتن باز می‌مانند، در سنین بالاتر، مثل ماجرای امیرحسین و عماد و مرتضی، بچه‌ها یا به دلیل اینکه باید کار کنند و برای خانواده پول در بیاورند از تحصیل باز می‌مانند یا اگر دختر باشند، به دلیل ازدواج زودهنگام از ادامه تحصیل محروم می‌شوند.

آمار بازماندگی از تحصیل در سال‌های اخیر هر چند با افت‌هایی هم همراه بوده، اما در يك نگاه کلی رو به افزایش بوده است، در حالی که گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس می‌گوید در سال 95، تعداد 778 هزار کودک بازمانده از تحصیل در کشور وجود داشته است. این عدد در سال 1400 به 911 هزار نفر رسیده است. بررسی داده‌های مرکز آمار ایران نشان می‌دهد که سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ در مقاطع تحصیلی مختلف به ۹۲۹ هزار و ۷۹۸ نفر رسیده است. با نگاهی به افزایش جمعیت

دانش‌آموزي در سال‌هاي مختلف روشن ميشود كه آمار بازماندگي از تحصيل در مجموع تغييرات آنچناني نداشته است. وقتي جمعيت دانش‌آموزي از حدود 12 ميليون نفر در آغاز دولت روحاني به حدود 18 ميليون نفر در پايان آن دولت رسيده است، رشد عددي آمار بازماندگان از تحصيل غيرقابل تصور نيست. پوشش تحصيلات ابتدايي در کشور حدود 90 درصد است، در دوره‌هايي ممکن است اين عدد کاهشي را تجربه کند که جبران آن چندان سخت نيست، اما افزايش پوشش تحصيلات ابتدايي به بالاي 90 درصد به دليل مسائل آن 10 درصدي که به سيستم آموزش و پرورش وارد نميشوند، بسيار سخت است. هر چند عدم ورود دانش‌آموزان به تحصيلات ابتدايي، بحراني است که توجه بسياري را جلب مي‌کند. خروج از سيستم آموزش و پرورش بدون پايان تحصيلات، مشکل جدي‌تري است. سال گذشته، 15 تا 17 ساله‌ها بيشترين جمعيت بازماندگان از تحصيل را داشته‌اند. خروج از سيستم آموزش و پرورش با پايان تحصيلات ابتدايي به معني توليد نيروي کار غيرماهر است، چراکه حتي ورود به دوره‌هاي فني و حرفه‌اي هم نيازمند تمام کردن دوره متوسطه اول است. با چنين شرايطي خروج دانش‌آموزان از آموزش و پرورش بدون گرفتن ديپلم، ورود آنها به بازار کار نيروهاي نيمه ماهر و ماهر را سخت‌تر مي‌کند. همچنين بايد در نظر داشت که مرگ و مير مادر و نوزاد در مواردی که مادر خودش کودک است بيشتر است. به دنيا آوردن نوزادان داراي معلوليت يا مشکلات ژنتيکي در مادراني که سواد کم‌تري دارند و فقيرتر هستند، شايع‌تر است. چرخه بازتوليد فقر در ميان فقرا و سخت‌تر کردن مسير خروج آنها از تله.

فقط مرزها نيست، قلب شهرها هم پرخطر است

مساله ديگري که در مورد بازماندگي از تحصيل و همين طور ترك تحصيل وجود دارد، مساله پراکندگي جغرافيايي بازماندگي و ترك تحصيل است. در اواخر دولت اول آقاي روحاني، وزارت آموزش و پرورش در همکاري با بهزيستي گروه‌هايي را تشکيل داده بود که در روستاها و شهرهاي کوچک مي‌گشتند و دانش‌آموزان بازمانده از تحصيل را شناسايي مي‌کردند، علت بازماندگي از تحصيل آنها را جوياب مي‌شدند و با همکاري بهزيستي آن را برطرف مي‌کردند تا دانش‌آموزان را به تحصيل ابتدايي وارد کنند. صمد نورزيان، کارشناس آموزش و پرورش در اين مورد به «اعتماد» مي‌گويد: «در آن دوران اين برنامه بسيار موثر بود، به خصوص وقتي که از بازماندگي از تحصيل در شهرهاي کوچک و روستاها حرف مي‌زنيم که جابه‌جايي مردم اندک است، با چنين گروه‌هايي مي‌توان تا حدودي از ابعاد مشکل کم کرد. اين طرح هم بسيار موفق

بود تا اینکه کرونا از راه رسید که هم منجر به ضعیف شدن آن طرح شد و هم به میزان دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل اضافه کرد. تا قبل از آن اگر برای برگرداندن بچه‌ها به مدرسه، یک کیف یا لباس و چیزهایی از این دست لازم بود، در دوران کرونا برای برگرداندن بچه‌ها به مدرسه به ابزارهای بسیار گران‌تری احتیاج پیدا شد که کار را سخت می‌کرد. علاوه بر این، با بدتر شدن اوضاع اقتصادی مردم در طول دوران کرونا، بازماندگی از تحصیل به خصوص در مقاطع بالاتر بیشتر شد. همزمان باید به خاطر داشته باشیم که آن چیزی که به آن بازماندگی از تحصیل پنهان می‌گوییم، یعنی اینکه بچه‌ها ثبت‌نام می‌کنند، اما در کلاس درس حاضر نمی‌شوند یا امتحان نمی‌دهند، در دوران کرونا بیشتر دیده شد. این مساله جالب توجه است که آمار کلی غیبت در کلاس‌های درس در دوران کرونا بیشتر شد، اما همزمان سطح نمره‌های بچه‌ها هم بالاتر آمد که نشان می‌دهد به همان میزان که غیبت بیشتر شد، سهل‌گیری در مورد نمره‌دهی هم افزایش پیدا کرد و این از مشکلات دیگری است که کمتر به آن توجه شده است. اما بعد از دوران کرونا، شاهد این مساله هستیم که ترك تحصیل یا بازماندگی از تحصیل در مناطق شهری هم افزایش پیدا کرده است. وقتی در شهرهای کوچک یا روستاها بچه‌ها از مدرسه باز می‌مانند یا به مدرسه بر نمی‌گردند، پیدا کردن آنها و جویا شدن اینکه چرا به مدرسه نیامده‌اند، راحت‌تر است تا وقتی بچه‌ها در شهرها ترك تحصیل می‌کنند، چون در شهرها جابه‌جایی مردم بیشتر است، ردگیری دانش‌آموزانی که به مدرسه نیامده‌اند هم بیشتر است. به‌طور کلی آن طرحتی که دولت آقای روحانی اجرا می‌کرد نیاز به يك پایگاه داده‌های کامل و عظیم دارد که بتوان از روی آن آدرس هر بچه‌ای را که از تحصیل دور مانده است، پیدا کرد و به خصوص در شهرها چنین پایگاه داده‌هایی وجود ندارد.»

سال تحصیلی گذشته، جمعیت ۱۵ تا ۱۷ ساله‌ها، سه میلیون و ۵۵۲ هزار و ۸۸۹ نفر بود. از این میان، ۵۵۶ هزار و ۹۹۴ نفر از آنها از تحصیل بازماندند. ۲۹۵ هزار و ۱۰۱ نفر از بازماندگان از تحصیل در این مقطع را پسران و مابقی را دختران تشکیل می‌دهند. جمعیت در سن مقطع متوسطه اول یعنی ۱۲ تا ۱۴ ساله‌ها در سال تحصیلی گذشته، سه میلیون و ۹۸۰ هزار و ۸۳۷ نفر بود. از این میان، ۱۹۷ هزار و ۶۹۰ نفر از آنها از تحصیل بازماندند. حدود ۹۸ هزار نفر از بازماندگان از تحصیل در این مقطع را پسران و حدود ۹۹ هزار نفر را هم دختران تشکیل می‌دهند. همچنین جمعیت کودکان ۶ تا ۱۱ سال در سال تحصیلی گذشته، ۹ میلیون و ۸۶ هزار و ۸۰۵ نفر بود. از این میان، ۹۶ هزار و ۲۰۲ نفر از پسران و ۷۸ هزار و ۹۱۲ نفر از دختران از تحصیل

